

اصول اساسی تصمیمات طراحی	نظریه چگونه اجرا می شود	نظریه یادگیری
طراحی فضا شرایط برقراری تماس و پاسخ را برای یادگیری فراهم می کند که شامل انتقال محتوا از معلم به دانش آموز است. این طرح همچنین می تواند به دانش آموزان اجازه دهد تا یک به یک با ماشین ها تعامل داشته باشند.	یادگیری مستلزم شرطی سازی رفتارها بر اساس محرک ها است.	نظریه رفتارگرایی (اسکینر ۱۹۳۸)
طراحی فضا امکان مشاهده مستقیم یک تمرین را اغلب با الگوبرداری از رفتارهای صحیح توسط معلم، فراهم می کند،	یادگیری یک فرآیند فردی است که می تواند از طریق مشاهده به تکامل برسد.	نظریه پردازش اطلاعات/یادگیری اجتماعی (بندورا ۱۹۷۷)
طراحی فضا شامل مبلمان و چیدمان هایی است که امکان کشف را فراهم می کند، نقش معلم غیرمتمرکزتر و تاکید بیشتر بر ابزار است.	یادگیری فرآیندی هم فردی و هم اجتماعی است که در آن فرد مراحل رشد را طی می کند و درک خود از جهان را بر اساس کشف می سازد.	سازنده گرایی (پیازه ۱۹۷۷)
طراحی فضا مبلمان و چیدمان را برای بحث گروهی و قابلیت های محیطی را برای انواع بسیاری از ابزارها و تعاملات اجتماعی درگیر میکند.	یادگیری یک فرآیند اجتماعی بین افراد و با واسطه ابزار (اعم از فیزیکی و مفهومی) است. معلم و همسالان (دیگران آگاه تر) از طریق تعامل اجتماعی به یادگیری فرد کمک می کنند.	نظریه اجتماعی-فرهنگی (ویگوتسکی، ۱۹۷۸)
طراحی فضا شامل قابلیت هایی است که بر مبنای هنجارها و شیوه های خاص فرهنگی است. همچنین طراحی فضا گفتگو در مورد دیدگاه های مختلف را تسهیل می کند.	یادگیری یک عمل وابسته به فرهنگ است که در آن شناخت فردی ریشه در زمینه (های) مفاهیم و وظایف فرهنگی خاص دارد.	شناخت موقعیتی (براون و همکاران ۱۹۸۹)
طراحی فضا شامل مدل سازی چیدمان پس از تمرین حرفه ای با فرصت هایی برای افراد جهت یادگیری از طریق مشارکت است.	یادگیری شامل مشارکت سطح بالای روزافزون در یک جامعه از طریق یادگیری هنجارها و شیوه ها در حین درگیر شدن در فعالیت های معتبر است.	یادگیری موقعیتی (لاو و ونگار ۱۹۹۱)
طراحی فضا شامل مدل سازی چیدمان پس از محیط های حرفه ای است که در آن افراد با مشاهده و صحبت با کارشناسان، تمرین معتبر را دریافت می کنند. ابزارهایی برای درک فرآیندهای شناختی متخصصان در دسترس هستند.	یادگیری مستلزم درگیر شدن فردی در وظایفی است که مشابه یا قابل قیاس با وظایف یک متخصص در حوزه مورد یادگیری است. همچنین، یادگیری شامل درک چگونگی تفکر کارشناسان در مورد وظایف در حین انجام آنهاست.	کارآموزی شناختی (کالینز و همکاران، ۱۹۹۱)